

بررسی تاثیر توانمندسازی بر کارآفرینی با تاکید بر نوآوری اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز

سعیده صمدزاد^۱

عضو هیات علمی (استادیار) پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی، تبریز

چکیده

هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر توانمندسازی بر کارآفرینی با تاکید بر نوآوری اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. روش پژوهش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات مصاحبه و پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق، محله خلیل‌آباد شهر تبریز است. بدین صورت که در مرحله مصاحبه اکتشافی از ۱۰ نفر خبره حوزه کارآفرینی و منابع انسانی جهت طراحی مدل مفهومی و برای تحلیل مدل آماری از بین جامعه آماری (تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال در محله خلیل‌آباد) ۳۵۲ نفر بر طبق فرمول محاسباتی کوکران استفاده شده است. جهت تحلیل یافته‌های تحقیق از تکنیک معادلات ساختاری، رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های حاصل از تحلیل اطلاعات، تاثیر توانمندسازی بر نوآوری اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۹۶۲ مثبت و معنادار است. تاثیر توانمندسازی بر کارآفرینی با ضریب مسیر ۰/۲۵۱ و تاثیر نوآوری اجتماعی بر کارآفرینی با ضریب مسیر ۰/۱۶۶ مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد عوامل اقتصادی (ضریب مسیر ۰/۴۴۹)، فنی (ضریب مسیر ۰/۱۱۶)، اجتماعی - فرهنگی (ضریب مسیر ۰/۱۵۶) و مدیریتی (ضریب مسیر ۰/۱۰) نیز بر کارآفرینی دارای تاثیر مثبت و معناداری است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، کارآفرینی، نوآوری اجتماعی، سکونتگاه‌های غیررسمی، خلیل‌آباد

^۱ نویسنده مسئول: samadzaad@acecr.ac.ir

Investigating the impact of empowerment on entrepreneurship with emphasis on social innovation in informal settlements in Tabriz

Saeideh Samadzad²

Assistant Professor of Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Tabriz, Iran

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to investigate the impact of empowerment on entrepreneurship with emphasis on social innovation in informal settlements.

Methodology: This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of method. The main tool for collecting information is interview and questionnaire. The statistical population of the research is Khalilabad of Tabriz city. In this way, in the exploratory interview stage, 10 experts in the field of entrepreneurship and human resources to design a conceptual model and to analyze the statistical model from among the statistical population (the number of active population of 10 years and older in Khalilabad neighborhood) 352 people according to Cochran's calculation formula Used. In order to analyze the research findings, structural equation technique (SEM), partial least squares approach was used.

Findings and Conclusions: Based on the findings of information analysis, the effect of empowerment on social innovation is positive and significant with a path coefficient of 0.962. The effect of empowerment on entrepreneurship with a path coefficient of 0.251 and the effect of social innovation on entrepreneurship with a path coefficient of 0.166 is positive and significant. Also, the results show that economic factors (path coefficient 0.449), technical (path coefficient 0.116), socio-cultural (path coefficient 0.156) and managerial factors (path coefficient 0.10) also have a positive and significant effect on entrepreneurship.

Keywords: Informal Settlements, Khalilabad, Empowerment, Entrepreneurship, Social Innovation

² Corresponding Author: samadzad@acecr.ac.ir

۱- مقدمه

امروزه با توجه به این که فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشورها کمک شایانی نماید، کارآفرینی در دنیا به عنوان یکی از منابع رشد، اشتغالزایی و نوآوری شناخته شده است (آن و همکاران، ۲۰۲۲).^۳ کارآفرینی فرایندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و حتی جهانی ایفا می‌کند. اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌دانند. نکته قابل توجه این است که توجه به مسئله کارآفرینی نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای متوسط و کوچک و حتی سکونتگاه‌های غیررسمی هم حائز اهمیت است. کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی به علت دسترسی اندک به منابع و امکانات و همچنین توسعه نیافتن روابط اجتماعی، نسبت به کارآفرینی در مناطق و نواحی پیشرفته، مشکلتر بوده و بنابراین نرخ اثرگذاری کارآفرینی در اینگونه نواحی بیشتر است. در این میان استان آذربایجان شرقی به ویژه کلانشهر تبریز نیز از پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی مستثنی نمی‌باشد. محله خلیل آباد شهر تبریز از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی است که بر اساس برآوردهای به دست آمده^۴، دارای جمعیت ۲۱ هزار و ۳۷۳ نفر است و تقریباً ۱/۵ درصد از جمعیت شهر تبریز را تشکیل داده است که از این تعداد، ۴۹۱۱ نفر، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال در محله است. بررسی‌ها نشان داده است در سکونتگاه‌های غیررسمی با وجود ظرفیت‌های بالا در حوزه کارآفرینی، بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها برای توسعه اشتغال و بازار کار مغفول مانده و شناسایی عوامل موثر بر توسعه و پیشرفت آنها همچنان به عنوان یک معضل برای کارآفرینان مطرح است.

نتایج تحقیقات نشان داده است عوامل مختلفی بر کارآفرینی تاثیرگذار است. به عنوان مثال، فردی که اقدام به کارآفرینی می‌کند جهت مواجه شدن با شرایط پیش‌بینی نشده و نامساعد، نیازمند داشتن نوآوری، خلاقیت و توانمندسازی است (حسین‌بر و همکاران، ۱۴۰۱). نوآوری اجتماعی بخش‌های متنوعی را پوشش می‌دهد و محصولات جدید، فرایندها، مدل‌های جدید و پاسخگو را به ارمان می‌آورد. در استراتژی اروپای ۲۰۲۰، خلاقیت و نوآوری در شکل عمومی و نوآوری اجتماعی در عمل و به صورت خاص، عوامل اساسی برای تقویت رشد پایدار، امنیت کار، افزایش قابلیت‌های رقابتی و کارآفرینی می‌باشند. از سویی دیگر توسعه کارآفرینی و توانمندسازی مکمل یکدیگر بوده و باعث قدرت بخشیدن به افراد در فعالیت‌های مختلف کارآفرینی اعم از اجتماعی، اقتصادی- فرهنگی، فنی و ... می‌شود. یکی از مؤثرترین راهکارهای افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح فعالیت و میزان موفقیت در حوزه کارآفرینی، توانمندسازی افراد است. محققان معتقدند که توانمندسازی نقش مهمی در ارائه بازخورد، مشارکت خلاق، رفتار نوآورانه و به طور کلی ارتقای رفتارهای فعالانه دارد. توانمندسازی افراد را قادر می‌سازد که خودمختاری، کنترل و اعتمادبه نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی، برای چیره شدن بر محدودیت‌های موجود اقدام نمایند. بنابراین با علم به اهمیت موضوع، سوال اساسی تحقیق حاضر، چگونگی تاثیر توانمندسازی بر کارآفرینی با تاکید بر نوآوری اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی (محله خلیل آباد شهر تبریز) است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

۲-۱- سکونتگاه‌های غیررسمی

طبق گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل (۲۰۰۳)، سکونتگاه‌های غیررسمی مسکنی است که با چهارچوب‌های قانونی و ضابطه‌ای مطابقت ندارد و در شهرها دایر می‌شود که می‌تواند در سطوح متعددی غیررسمی باشد. مارتین و همکاران (۲۰۰۸)^۵ معتقدند سکونتگاه‌های غیررسمی با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه بوده و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند. برخی از محققان نیز بیان نمودند سکونتگاه‌های غیررسمی محصول توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت و خدمات در سطوح ملی و منطقه‌ای است. این امر در کشورهای جهان سوم وضعیت حادتری نسبت به کشورهای پیشرفته به وجود آورده و در نتیجه این سکونتگاه‌ها در ایجاد مسکن، اشتغال، آموزش و بهداشت وضعیت ناگواری را بر شهر اصلی تحمیل نموده‌اند. در کشورهای درحال توسعه اولین عامل پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی، اقتصاد و بعد از آن دلایل فرهنگی و اجتماعی است. با این پیش‌فرض که علت تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی، فقر و عوامل ساختاری است، بسیاری از سیاستگذاران در سطوح کلان به دنبال راه‌حل‌های کلان برای این پدیده بوده‌اند.

۲-۲- کارآفرینی، توانمندسازی و نوآوری اجتماعی

^۳. Ahn et al, 2022

^۴ داده‌های تمام شماری، ۱۴۰۱

^۵. Martin et al., 2008

امروزه تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی کلان از جمله کارآفرینی همواره به مثابه راه‌حل ریشه‌ای فقر و محله‌های فقیرنشین موردتوجه بوده است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). به گونه‌ای که در بیشتر جوامع بر گسترش کارآفرینی به عنوان "موتور رشد و توسعه" اتفاق نظر وجود دارد. کارآفرینان ظرفیت‌های بزرگی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور بوده و ضمن امکان انتخاب‌های متمایز و نو، فرصت‌های شغلی جدیدی را فراهم آورده و در دوران بحران، جهت برونرفت از مشکلات کارساز هستند (آن و همکاران، ۲۰۲۲). طی چند سال گذشته، بر اثر آشفتگی‌های مختلف جهانی، افراد زیادی شغل خود را ازدست داده‌اند که سکونتگاه‌های غیررسمی از این امر مستثنی نمی‌باشند. در چنین شرایطی، کارآفرینی درمانی برای بیکاری و مسائل رشد تلقی شده است. از نظر هندرسون (۲۰۰۲)^۶ کارآفرینی فرایند کشف یا توسعه فرصت برای خلق ارزش از طریق نوآوری است. کارآفرینان اغلب با افزودن ثروت به اقتصاد محلی باعث رشد و گسترش آن می‌شوند. کارآفرینان تنها ایجادکننده فرصت‌های جدید محلی نیستند، بلکه همچنین تولیدکننده ثروتی نو و ارزشی جدید می‌باشند (فرانکو، ۲۰۲۰)^۷. به عبارتی دیگر کارآفرینان بهره‌گیران نوآور از منابع و دارائی‌های محلی می‌باشند. در این میان با توجه به تغییرات گسترده محیطی در دنیای پرتلاطم امروزی، داشتن یک راهبرد اساسی برای توسعه و گسترش کارآفرینی بسیار مهم و اساسی می‌باشد. در این خصوص راهبرد توانمندسازی در راستای بالندگی منابع انسانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. توانمندسازی نه تنها نوعی انگیزه‌کاری درونی است، بلکه یک گرایش انگیزشی فعال نیز می‌باشد. وجود تغییرات سریع، پیشرفت‌های تکنولوژیک و رقابت‌های آشکار و پنهان در دنیا، اهمیت و ضرورت توانمندسازی را بیش از پیش آشکار ساخته است. توانمندسازی افراد یکی از تکنیک‌های مؤثر برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از ظرفیت و توانایی‌های فردی و گروهی آنها در راستای رسیدن به اهداف حوزه کارآفرینی است. در ادبیات توانمندسازی تعریف واحدی از آن وجود ندارد بلکه تعریف آن بستگی به موقعیت و افراد دارد و باید تحقیقات بیشتری انجام شود تا بتوان ماهیت آن را درک کرد. بلانچارد (۱۹۹۶) معتقد است بسیاری از افراد به توانمندسازی از این دیدگاه می‌نگرند که به افراد قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد. بسیاری از افراد نیز منظور از توانمندسازی را کسب آزادی بی‌قید و شرط برای اجرای هر کار می‌دانند. همچنین توانمندسازی آزاد کردن نیروی درونی افراد برای کسب دستاوردهای شگفت‌انگیز است. توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک شود تا احساس اعتمادبه‌نفس خود را بهبود بخشند و بر توانایی یا درماندگی خود چیره شوند. در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه‌های درونی آنان برای انجام وظیفه بسیج شود. کانگر و کانگو (۱۹۹۸)^۸ معتقدند هرگونه استراتژی یا تکنیک مدیریتی که به افزایش حق تعیین سرنوشت و کفایت نفس کارکنان منجر شود توانمندسازی آنها را در پی خواهد داشت. از سویی دیگر افراد توانمند با تکیه بر نوآوری و تمایل به کارآفرینی خود می‌توانند نوآوری را با محوریت بازار به همراه داشته باشند. علاوه بر این، توانمندسازی یکی از منابع اصلی خلاقیت است. بنابراین احتمال بروز رفتار خلاقانه از سوی افرادی که توانمند شده‌اند بیشتر است (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱)^۹. در تعریف سازمان جهانی توسعه و همکاری‌های اقتصادی، نوآوری اجتماعی به دنبال یافتن پاسخ‌های جدید برای مسائل و چالش‌های اجتماعی است. هر نوآوری که به مسئله اجتماعی در چارچوب نرم‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای بومی با هدف توانمندسازی پاسخ می‌دهد به گونه‌ای که تاثیر و نتیجه نهایی آن، کارآمدی و رضایتمندی حاکمیت و جامعه باشد، نوآوری اجتماعی است (آدرتچ و بلیتسکی، ۲۰۲۲)^{۱۰}. نوآوری اجتماعی به تحقق توانایی یک جامعه از طریق توسعه و اجرای ایده‌ها و شیوه‌های جدید، فرایندهای اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی جدید، محصولات، خدمات و سیستم‌های جدید، سیاست‌های جدید و نظایر آن اشاره دارد (پاکورا، ۲۰۲۱)^{۱۱}.

هدف کارآفرینی و نوآوری اجتماعی، برآورده کردن نیازهای اجتماعی حل نشده و رفع چالش‌های اجتماعی است و ارتباط بسیار تنگاتنگی بین این دو مفهوم وجود دارد. نوآوری اجتماعی اغلب از بخش کارآفرینی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و سپس بخش‌های دیگر از آن استفاده می‌کنند. این دو مفهوم بخشی از راه‌حل‌های مشکلات دنیای معاصر هستند؛ زیرا هدف آنها ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای مشکلات اجتماعی حل نشده است. موری و همکاران، فرایندهای شش مرحله‌ای حلقوی تحقق نوآوری اجتماعی را ارائه دادند که با شناخت مشکل موردنظر برای حل، آغاز و با طی گام‌های بعدی به تغییرات سیستماتیک و وسیع می‌رسد. بر این اساس نوآوری با تشخیص یک مشکل که باید حل گردد آغاز می‌شود. سپس طرح‌ها و ایده‌هایی که ممکن است شامل طیف گسترده‌ای از منابع و تجارب باشد بررسی و توسعه می‌یابند. در ادامه نمونه‌های اولیه یا پروژه‌های آزمون برای آزمایش ایده‌های جدید توسعه می‌یابند. در این مرحله، آزمون ایده‌ها برای یافتن راه‌حلی که مطابق با نیازهای شناسایی شده باشد، ادامه می‌یابد. اجرای این ایده در شیوه‌های روزمره و جاری پایدار در مرحله چهارم صورت می‌گیرد. این مرحله برای اطمینان از طول عمر نوآوری لازم است. انتشار و اجرا در مقیاس وسیع، مرحله پنجمی است که در طی آن استراتژی‌ها برای به دست آوردن تصدیق راه‌حل‌های نوآورانه در تنظیمات دیگر تدبیر شده است. تغییرات سیستماتیک، هدف نهایی نوآوری‌های اجتماعی است که در مرحله آخر حادث می‌گردد.

⁶. Henderson, 2002

⁷. Franco, 2020

⁸. Kanger & Kanouno, 1998

⁹. Zhang et al., 2021

¹⁰. Audretsch and Belitski, 2022

¹¹. Pakura, 2021

۲-۳- پیشینه تحقیق

هاشم پور و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به توانمندسازی اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری با تکیه بر دارایی‌ها با رویکرد توصیفی - تحلیلی پرداختند. نتایج نشان داده سکونتگاه‌های غیررسمی، حامل ظرفیت‌های اجتماعی - مشارکتی معینی هستند و توانمندسازی ساکنین از طریق دارایی‌های محلی به توسعه اثربخش در کالبد این بافت‌ها نیز منتهی شده است. سرمایه اجتماعی، با طیف گسترده‌ای از دارایی‌های نهفته در آن، مؤلفه‌ای تأثیرگذار بوده که در ابعاد عینی ناظر بر بالابردن سطح کیفیت زندگی عمومی شده است. برقی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش مشارکت اجتماعی که پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون و نرم‌افزار SPSS داده‌ها تحلیل شدند، نشان داد که بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. توانمندکردن مناطق حاشیه‌نشین و دادن برخی امتیازات می‌تواند تأثیرات بسیار موثری برای افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد و موجب بالا رفتن مشارکت اجتماعی شود.

آرامش و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با استفاده از روش کیفی فراترکیب به ارائه الگوی اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان جامعه محلی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که تمامی شاخص‌ها به جز شاخص برخورداری از مهارت کافی اثر معناداری بر توانمندسازی زنان بلوچ مناطق حاشیه‌نشین چابهار داشتند و مهمترین این شاخص‌ها، شاخص اعتمادبه نفس است و شاخص‌های انگیزه ایجاد اشتغال، میزان تحصیلات، رفع تبعیض از بازار کار، سیاست‌های حمایتی دولت به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم از نظر اهمیت توانمندسازی زنان این منطقه برخوردارند. گلکارفرد و رضایی مقدم (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه کارآفرینی با ابعاد توانمندی زنان روستایی استان فارس پرداختند. تحقیق به روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه در بین زنان روستایی کارآفرین عضو شرکت حمایت از فعالیت‌های کشاورزی در شهرستان‌های شیراز، مرودشت و استهبان (۳۶۰۰ نفر) انجام شد. بر اساس نتایج، متغیرهای روحیه کارآفرینی، توسعه کارآفرینی، شرکت در کلاس‌های آموزشی، دانش کارآفرینی، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، عوامل محیطی، سیاست‌های حمایتی و مهارت در تدوین طرح تجاری توانایی، ۵۶ درصد از تغییرات توانمندسازی زنان را پیش‌بینی کردند.

سانجامیترا شادهورا و همکاران (۲۰۲۰)^{۱۲} در مقاله بررسی ریسک کارآفرینی و حمایت از توسعه: روایت‌هایی از زنان کارآفرین هندی معتقدند در بیشتر پژوهش‌ها تمرکز بر چشم‌انداز استراتژیک و سیاست‌گذاری‌های کلان است و نه در سطح فردی و خرد. در این تحقیق روایت شش زن کارآفرین شهری مطرح می‌شود. آنها در تحقیقات خود به از میان برداشتن موانع دسترسی زنان به منابع و تسهیلات مالی، حذف نابرابری‌ها در آموزش، لزوم برنامه‌ریزی جهت ارتقاء توانمندی‌ها و مهارت‌های زنان، توجه به مشاغل کوچک و خانگی، ترغیب همسران به حمایت از کسب و کار زنان، توجه به روحیات و اقتضائات خاص زنانه و مواردی اینچنینی تأکید نموده‌اند. تسوتکوا و همکاران، (۲۰۲۰)^{۱۳} در مطالعه‌ای به بررسی عوامل پایداری کسب و کارها و تدوام کارآفرینی پرداختند. نتایج مطالعات آنان نشان می‌دهد عوامل پایداری و تدوام را باید در موارد قیمت تمام شده، تأمین منابع مالی، تأمین نیازهای بازار، بهره‌گیری از تکنولوژی، بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت، ضرورت توجه به حوزه‌های بالادستی مشاغل، سازماندهی مشاغل، تخصصی شدن و ارزیابی و نظارت جستجو کرد. سینهاروی و همکاران (۲۰۱۹)^{۱۴} در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده است دولت‌ها می‌توانند محرک‌های اقتصادی مهمی برای بهبود وضعیت اسکان‌های غیررسمی باشند. دولت‌ها می‌توانند با ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی، بودجه خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در اسکان‌های غیررسمی تسهیل کنند. نتایج تحقیقات نشان داده است دولت‌هایی که دارای سیاست‌های توسعه ملی شهری هستند، بیشتر احتمال دارد منابع مالی را برای بهسازی و بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی اختصاص دهند. کاپور (۲۰۱۸)^{۱۵} در پژوهشی با عنوان "توانمندسازی جوامع حاشیه‌ای در هند" دست یافت که جوامع حاشیه‌نشین که در حال تلاش برای دستیابی به توانمندسازی هستند، اهمیت آموزش را تشخیص داده‌اند. آنها مایل به دستیابی به مدارک تحصیلی و مهارت‌های سوادآموزی هستند و دوست دارند با به دست آوردن یک فرصت شغلی مناسب، شرایط زندگی خود را ارتقا بخشند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد امور مالی و منابع پولی مهمترین موانع جوامع حاشیه‌نشین به سمت توانمندسازی تلقی می‌شوند. کولمن و همکاران (۲۰۱۷)^{۱۶} بر اساس یک دیدگاه شناختی اجتماعی بر روی انگیزه‌های موفقیت به این نتیجه رسیدند که ترس از شکست، به عنوان مانع برای کارآفرینان نوظهور بر روی فعالیت آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین ادراک موانع اجتماعی، زمینه‌ساز ترس از شکست می‌شود که به نوبه خود تأثیر منفی بر ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها دارد.

¹² Sanghamitra et al., 2020

¹³ Tsvetkova et al, 2020

¹⁴ Sinharoy et al., 2019

¹⁵ Kapur, 2018

¹⁶ Kollman et al, 2017

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. در این تحقیق با استفاده از مصاحبه اکتشافی، بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق، ابعاد و مولفه‌های مدل مفهومی، تبیین شده و در ادامه با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و معادلات ساختاری (روش کمی)، مدل تحقیق، مورد آزمون واقع شده است. برای تحلیل پرسشنامه، از معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS استفاده می‌شود. بدین صورت که برای آزمون مدل مفهومی پژوهش از تکنیک حداقل مربعات جزئی (PLS) که یک فن مدلسازی تحلیل مسیر است، استفاده شده است. این تکنیک امکان بررسی روابط متغیرهای پنهان و سنج‌ها (متغیرهای قابل مشاهده) را بصورت همزمان فراهم می‌سازد. این روش، ابزار مناسبی برای تحلیل مطالعاتی است که در آنها روابط بین متغیرها پیچیده، حجم نمونه اندک و توزیع داده‌ها نامشخص یا ناهنجار (غیرنرمال) است. مدلسازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است. متغیرهای مدل در دو دسته پنهان و آشکار طبقه‌بندی می‌شوند. بخش مدل اندازه‌گیری شامل پرسش‌ها که همان شاخص‌های هر بعد به همراه هر بعد است و روابط میان پرسش‌ها و ابعاد در این بخش تحلیل می‌شود. بخش مدل ساختاری نیز حاوی تمام سازه‌های مطرح در مدل اصلی تحقیق است. میزان همبستگی و روابط میان تمام سازه‌های تحقیق در این مرحله ارزیابی می‌شود. جامعه آماری تحقیق، تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال در محله خلیل‌آباد است که تعداد ۴۹۱۱ نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه آماری نیز از فرمول محاسباتی کوکران استفاده می‌شود.

$$n = \frac{Z^2 pq / d^2}{1 + \frac{1}{N} \left(Z^2 pq / d^2 - 1 \right)} \quad \text{رابطه ۱}$$

در مطالعه حاضر بر اساس حجم جامعه آماری، تعداد نمونه آماری ۳۵۶ نفر محاسبه شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته نیز در سه بخش کارآفرینی، نوآوری اجتماعی و توانمندسازی به روش طیف لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد. روایی محتوی و روایی صوری (ظاهری) پرسشنامه توسط ۱۰ خبره شامل متخصصین و کارشناسان مربوطه بررسی و پس از تعدیلات موردنظر آنها روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱. ابعاد عملیاتی متغیرها

ابعاد	علائم	شاخص‌ها (تعریف عملیاتی)
توانمندسازی	T1	میزان استفاده از منابع اطلاعاتی
	T2	مسئولیت‌پذیری و تعهد
	T3	تسهیم اطلاعات و ارائه بازخورد
	T4	مهارت و دانش تخصصی
نوآوری اجتماعی	M1	تمایل به مشارکت اجتماعی
	M2	توانایی تبدیل ایده به محصول
	M3	داشتن نظام آموزش و پرورش خلاق
	M4	سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی
عوامل فرهنگی - اجتماعی	SO1	عدم باور جامعه به توانمندی افراد در سکونتگاه‌های غیررسمی
	SO2	ریسک‌پذیری (خطرپذیری)
	SO3	پیش‌بینی و آینده‌نگری
	SO4	اعتماد به شرکا و اعضاء
	SO5	وجود روحیه کار تیمی و گروهی
	SO6	توانایی در تقسیم وظایف بین افراد
عوامل مدیریتی	MA1	میزان سطح سواد و تحصیلات افراد
	MA2	مشارکت دادن افراد در تصمیم‌گیری
	MA3	وجود کلاس‌های تخصصی مربوط به کارآفرینی
	MA4	داشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید
	MA5	مدیریت دانش فنی و مهارت تخصص در بین افراد
عوامل فنی	F1	دسترسی به فناوری‌های جدید
	F2	دسترسی به متخصصان و مشاوران فنی
	F3	مهارت در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین
	F4	دسترسی به نهادهای تولیدی مثل زمین یا نیروی کار متخصص
	F5	کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی
عوامل اقتصادی	ECO1	اعطای تسهیلات، اعتبارات و وام‌های دولتی به افراد کارآفرین
	ECO2	سهولت دسترسی به مواد خام اولیه
	ECO3	وجود بازار محلی یا ظرفیت بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی
	ECO4	پشتیبانی مالی و فنی دولت از کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرین
	ECO5	رقابت‌پذیری در عرصه تجارت

منبع: یافته‌های تحقیق

برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه محاسبات نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۷ به دست آمده است که نشان‌دهنده مناسب بودن پایایی پرسشنامه است. ابعاد عملیاتی تحقیق نیز شامل گویه‌های زیر است. گویه‌های اصلی پرسشنامه بر اساس مطالعات صورت گرفته و نظر خبرگان (به روش مصاحبه) شناسایی شدند.

۴- محدوده مورد مطالعه پژوهش

در این پژوهش، محدوده مطالعاتی، محله حاشیه‌نشین خلیل آباد شهر تبریز است. این محله با ۲۳ هزار ۹۵۶ نفر از جمله مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز به شمار می‌رود که از این تعداد، ۴۹۱۱ نفر، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال در محله است. مشخصات محله خلیل آباد به تفکیک به شرح زیر است:

جدول ۲. مشخصات محدوده هدف محله و محدوده عملیاتی مورد مطالعه

نام محله	محدوده هدف محله		محدوده عملیاتی	
	مساحت (هکتار)	جمعیت	مساحت (هکتار)	جمعیت
خلیل آباد	۶۱/۵	۲۳۹۵۶	۵۳/۵	۲۱۳۷۳

منبع: داده‌های پژوهش، ۱۴۰۱

موقعیت محله و محدوده عملیاتی محله خلیل آباد نیز به شرح زیر است.



نقشه ۱. محدوده عملیاتی محله خلیل آباد

منبع: داده‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری

به منظور بررسی سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری از شاخص پایایی مرکب (CR)^{۱۷} استفاده می‌شود. در جدول (۳)، این شاخص برای تمامی متغیرهای تحقیق در سه گروه مورد مطالعه نشان داده شده است. مقادیر بالای ۰/۷ نشان‌دهنده سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد. مقدار این شاخص برای تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ می‌باشد. به منظور سنجش انسجام یا همسانی درونی متغیرهای مشاهده‌پذیر هر متغیر پنهان نیز از آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار قابل قبول برای این شاخص ۰/۷ به بالا می‌باشد. مقدار آلفای کرونباخ برای کلیه متغیرها عدد ۰/۷ به بالا می‌باشد. همچنین برای بررسی میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده می‌شود. در واقع AVE را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر معتقدند روایی همگرا زمانی وجود دارد که AVE از ۰/۵ بزرگتر باشد.

¹⁷. Composite Reliability

جدول ۳. شاخص پایایی مرکب

متغیرهای تحقیق	شاخص پایایی مرکب (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	شاخص آلفای کرونباخ
توانمندسازی	۰/۷۹	۰/۸۵۱	۰/۸۵۱
نوآوری اجتماعی	۰/۸۲۲	۰/۵۳۹	۰/۷۱۳
کارآفرینی	۰/۷۹۶	۰/۵۶۸	۰/۷۹۶
عوامل اقتصادی	۰/۸۴۶	۰/۵۲۸	۰/۷۷۲
عوامل فرهنگی - اجتماعی	۰/۸۵۱	۰/۸۵۱	۰/۷۹۳
عوامل فنی	۰/۸۳۶	۰/۵۰۶	۰/۷۶۷
عوامل مدیریتی	۰/۸۸۹	۰/۶۳۴	۰/۸۳۷

منبع: یافته‌های تحقیق

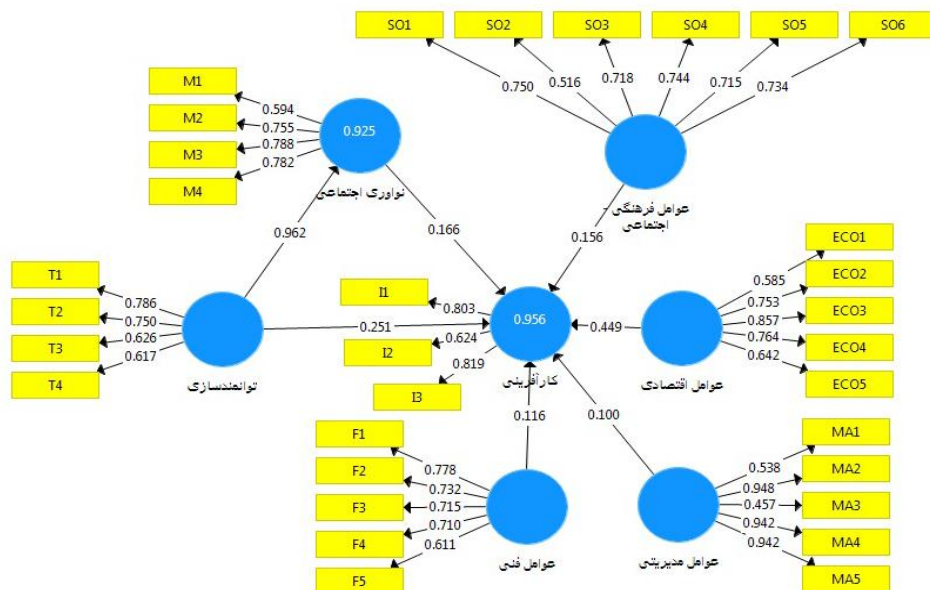
۵-۲- نیکوئی برازش مدل

برای بررسی نیکوئی برازش مدل، از معیار GOF^{18} استفاده شده است. طبق نتایج معیار GOF برای متغیرهای تحقیق ۰/۷۷ است. با توجه به اینکه سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، حصول مقدار فوق برای متغیرهای مورد مطالعه، نشان از برازش کلی قوی مدل دارد. همچنین مقادیر ۰/۹۵۶ و ۰/۹۲۵ به دست آمده برای شاخص ضریب تعیین (R^2) نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

۵-۳- ضرایب مسیر و معناداری متغیرها

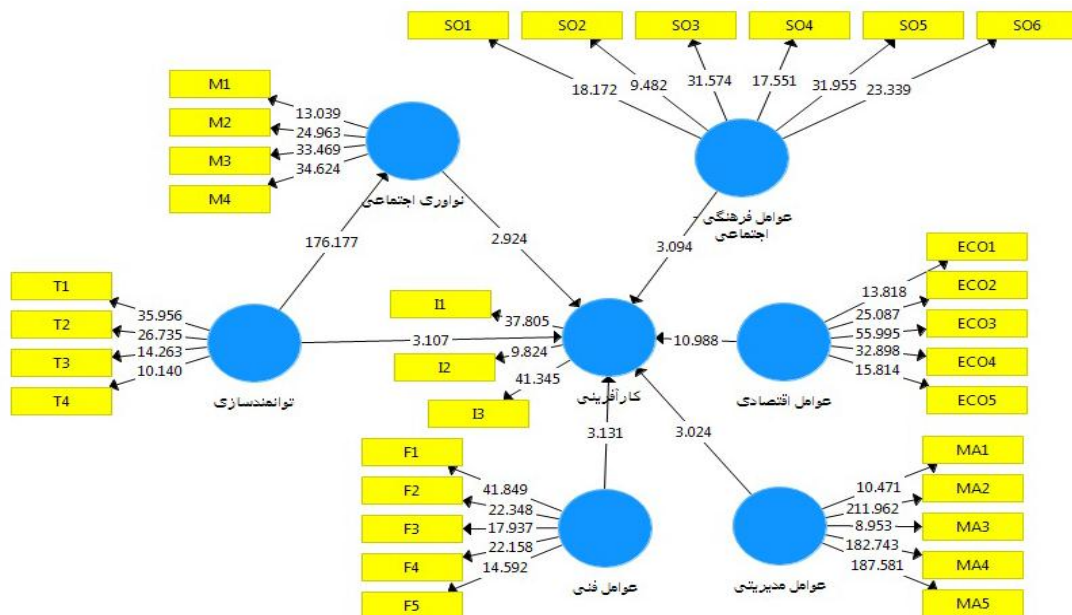
در این بخش به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. در نمودار زیر مقادیر ضرایب مسیر نشان داده شده است. در این روش از ضریب بتای استاندارد رگرسیون جهت تعیین جهت و شدت روابط میان متغیرها استفاده می‌شود. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی (همکنشی یکجانبه یا کوارتیه) بین مجموعه ای از متغیرهاست. ضرایب مسیر همان ضریب استاندارد شده رگرسیون هستند. بنابراین برای تحلیل مسیر باید از رگرسیون خطی ساده استفاده شود.

¹⁸. Goodness of Fit



نمودار ۱. ضرایب مسیر
منبع: یافته‌های تحقیق

در نمودار زیر نیز مقادیر t-value نشان داده شده است. اگر ضریب معنی‌داری مسیر میان دو متغیر مستقل و وابسته بیشتر از ۱/۹۶ باشد، تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته معنادار بوده و منجر به تایید فرضیه می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای تحقیق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.



نمودار ۲. معناداری ضرایب مسیر
منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که در نمودار ضرایب مسیر مشاهده می‌شود، در بررسی اثر توانمندسازی بر نوآوری اجتماعی، ضریب مسیر $0/962$ برآورد شده است. اثر توانمندسازی بر کارآفرینی، با ضریب مسیر $0/251$ برآورد شده است. اثر نوآوری اجتماعی بر کارآفرینی نیز، با ضریب مسیر $0/166$ برآورد شده است. با توجه به اینکه متغیرها از سطح معناداری $0/05$ با مقدار آماره t بالاتر از $96/1$ برخوردار هستند، می‌توان نتیجه گرفت که این ضرایب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار است؛ به این مفهوم که روابط بین متغیرها با احتمال 95 درصد معنادار است. ضمن اینکه با توجه به مثبت بودن ضرایب این رابطه، اثرات مذکور مثبت است. یکی از اساسی‌ترین ارکان توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی در راستای اشتغالزایی، تقویت کارآفرینی است. یکی از جنبه‌های مهم در تقویت کارآفرینی نیز، توانمندسازی است. با ارتقای دانش، نگرش و مهارت افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و به عبارتی دیگر توانمندسازی افراد می‌توان به تقویت کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی همت گماشت. توانمندسازی بستر را فراهم می‌کند تا نیروهای کار جسمی به فکری تبدیل شوند. در این میان نیاز فزاینده جوامع، بهره‌گیری از افرادی خلاق و نوآور است که از طریق ایده‌های نوین و تبدیل این ایده‌ها به فعالیت‌های سودبخش، روند توسعه کارآفرینی را تسریع کنند.

همچنین بر طبق انتظارات تئوریک، عوامل مختلفی نیز بر کارآفرینی تاثیرگذار است. همانطور که مشاهده می‌شود عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، مدیریتی و فنی نیز از عوامل تاثیرگذار بر کارآفرینی است. در پژوهش حاضر اثر عوامل اقتصادی بر کارآفرینی، با ضریب مسیر $0/449$ برآورد شده است. اثر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر کارآفرینی، با ضریب مسیر $0/156$ و اثر عوامل فنی بر کارآفرینی، با ضریب مسیر $0/116$ برآورد شده است. عوامل مدیریتی بر کارآفرینی نیز دارای ضریب مسیر $0/10$ می‌باشد. عوامل اقتصادی در قالب 5 گویه شناسایی شدند که عبارتند از: داشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی، توانایی کافی جهت پیگیری امور بانکی، وجود بازار محلی یا ظرفیت بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی، داشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی و توانایی رقابت در عرصه تجارت و اقتصاد. در بین عوامل یاد شده وجود بازار محلی یا ظرفیت بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی در حوزه کارآفرینی از اهمیت بالایی برخوردار است. عوامل اجتماعی در قالب 6 گویه شناسایی شدند که عبارتند از: عدم باور جامعه به توان افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در امر نوآوری و کارآفرینی، وجود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان کارآفرینی، آینده نگر و خطرپذیری، اعتماد به نفس پایین جهت راه‌اندازی کسب و کارها، وجود روحیه کار تیمی و گروهی و توانایی در تقسیم وظایف بین افراد. در بین عوامل یاد شده، عدم باور جامعه به توان افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در امر نوآوری و کارآفرینی از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین در تحلیل یافته‌ها، عوامل فنی را می‌توان در 5 گویه شامل دسترسی به فناوری‌های جدید، دسترسی به متخصصان و مشاوران فنی، مهارت در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین، دسترسی به نهادهای تولیدی مثل زمین یا نیروی کار متخصص و کمبود دانش فنی و مهارت تخصص تقسیم‌بندی نمود. بر طبق ضرایب مسیر به دست آمده، عامل دسترسی به فناوری‌های جدید از اهمیت بالایی برخوردار است. در نهایت نیز عوامل مدیریتی نیز شامل 5 گویه است که عبارتند از میزان سطح سواد و تحصیلات افراد، مشارکت دادن افراد در تصمیم‌گیری‌ها، وجود کلاس‌های تخصصی مربوط به کارآفرینی، داشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید و مدیریت دانش فنی و مهارت تخصص در بین افراد. در بین عوامل یاد شده، مشارکت دادن افراد در تصمیم‌گیری‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همانطور که مشاهده می‌شود توانمندسازی بر نوآوری اجتماعی با ضریب مسیر $0/962$ تاثیر مثبت و معناداری دارد. اقدامات صورت گرفته در سکونتگاه‌های غیررسمی در راستای توانمندسازی افراد با توسعه توانایی، دانش و مهارت آنان، بستر تولید ایده‌های نوآورانه را فراهم می‌آورد. اقداماتی که در راستای توانمندسازی افراد صورت می‌گیرد می‌تواند آنان را در رسیدن به اهداف خود یاری نماید. میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، مسئولیت‌پذیری و تعهد، تسهیم اطلاعات و ارائه بازخورد و مهارت و دانش تخصصی افراد از جمله عوامل موثر بر توانمندسازی است. توانمندسازی فرایندی تبادلی و خودافزا است که می‌تواند دستیابی به اهداف توسعه‌ای و به طور خاص‌تر نوآوری افراد را افزایش دهد. در محیط اقتصادی آشفته، نوآوری استراتژی کسب فرصت‌های جدید و حفاظت از دانش و اطلاعات است. نوآوری نقشی کلیدی در عرضه محصولات و خدمات منحصر به فرد از طریق ایجاد ارزش افزوده دارد. با این حال، نوآوری، گران قیمت و مخاطره‌آمیز است، زیرا همراه با نتایج مثبت بر عملکرد، گاهی ممکن است نتایج منفی نیز در پی داشته باشد. از قبیل تغییرات سریع، افزایش هزینه‌ها، نارضایتی و تغییرات ناگهانی. تحقیقات نشان داده است سرمایه اجتماعی قوی، به دسترسی سریع به مجموعه متنوعی از اطلاعات به منظور خلق عملکرد نوآورانه قادر خواهند بود. این سرمایه به نوعی دارایی ملموس به شمار می‌آید و در این میان موفق‌ترین‌ها آنهایی هستند که این دارایی ناملموس را به نحو مطلوب و در سریع‌ترین زمان ممکن به کار گیرند. سرمایه اجتماعی عنصری مهم و حیاتی است که نقشی تعیین‌کننده در عملکرد نوآورانه دارد. عملکرد نوآورانه نه یک شعار تبلیغاتی، بلکه ضرورتی برای بقا و رشد است. برای تحقق آن باید برنامه‌ریزی کرد و منابع بخصوص منابع انسانی را از طریق توانمندسازی تجهیز نمود. توانمندسازی به افراد کمک می‌کند تا توانایی لازم برای تصمیم‌گیری مستقل را به دست آورند. این فرآیند نه تنها در عملکرد افراد، بلکه در شخصیت آنها و در نتیجه عملکردهای خلاقانه و نوآورانه آنها نیز موثر است.

همچنین نوآوری اجتماعی بر کارآفرینی با ضریب مسیر ۰/۱۶۶ تأثیر مثبت و معناداری دارد. هدف نوآوری‌های اجتماعی ارزش‌آفرینی برای جامعه است. کارآفرینی، یعنی شناخت فرصت‌ها و به‌کارگیری منابع برای خلق یک کسب‌وکار جدید و سودآور. کارآفرینان با مهارتی که در تشخیص موقعیت‌ها و ایجاد حرکت در جهت توسعه این موقعیت‌ها دارند، پیشگامان حقیقی تغییر در اقتصاد و تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند. وجود نوآوری در کارآفرینی به قدری ضروری است که می‌توان ادعا نمود که کارآفرین بدون آن وجود ندارد و خلاقیت نیز بدون نوآوری نتیجه‌ای حاصل نمی‌کند. بنابراین خلاقیت و نوآوری، برای رشد کسب‌وکارها و کارآفرینی امری حیاتی است. لازم به ذکر است دانش و آگاهی، موتور محرک خلاقیت و نوآوری هست. هنگامیکه انگیزه برای خلاقیت و فعالیت‌های نوآورانه وجود داشته باشد، افراد علاوه بر اینکه به دنبال استفاده از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فردی خود هستند، همواره درصدد توسعه توانایی‌های خود بوده و به ایده‌پردازی و فعالیت‌های کارآفرینانه ترغیب می‌شوند. از سویی دیگر در روند پاسخگویی به انتظارات، نیازها و خواسته‌های مشتریان تغییرات اساسی لازم است؛ زیرا در دنیای دیجیتال و در حال تغییر امروزی، این موارد دستخوش دگرگونی بسیار شده است. به همین منظور، در دنیای رقابتی امروز، سازمان‌ها به منظور کسب درآمد و مقابله با ریسک حذف شدن از بازار می‌بایست به طور پیوسته نسبت به نوآوری در کسب و کار اقدام نمایند. نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار و کارآفرینی منجر به کاهش هزینه تولید محصول یا خدمات می‌شود و منجر به ارایه محصول جدید و/یا فرآیند تولید جدید می‌شود که در نهایت برآیند آن در عملکرد نشان داده می‌شود و باعث ایجاد مزیت رقابتی جدید نسبت به سایر رقبا خواهد شد. بنابراین نوآوری به دلیل ایجاد توانایی جدید جهت ایجاد ارزش و به عنوان یک قابلیت در نظر گرفته می‌شود که این قابلیت به عنوان یک توانایی تحول‌آفرین بین اهداف و منابع تعریف می‌شود. نوآوری در کسب‌وکار به بهبود عملکرد مالی از طریق ایجاد و ارتقای نوآوری تغییر در رقابت کمک می‌کند و در نهایت منجر به سودآوری می‌شود.

در نهایت نتایج حاکی از آن است که توانمندسازی بر کارآفرینی با ضریب مسیر ۰/۲۵۱ تأثیر مثبت و معناداری دارد. کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی مستلزم ایجاد تغییرات و جستجوی فرصت‌های جدید حاصل از این تغییرات با پرورش سرمایه انسانی و نیز شناسایی و ترکیب نوآورانه منابع و نیز بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی است. پرورش افراد کارآفرین و توسعه کارآفرینی مستلزم ایجاد بستری مناسب و ترویج روحیه کارآفرینی است. منابع انسانی با برخورداری از شایستگی‌های فردی و تخصصی، از مهمترین مزیت‌های رقابتی شرکت‌ها و حتی کشورها تلقی می‌شوند. در این میان یکی از مولفه‌های مؤثر بر کارآفرینی، توانمندی نیروی انسانی می‌باشد. بهبود قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی، میزان تلاش فرد را افزایش می‌دهد و به سمت نتایج بهینه هدایت می‌کند. از آنجایی که انسان به همراه توانایی‌هایش عامل اصلی توانمندسازی است، بنابراین می‌توان از طریق توانمندسازی افراد تأثیر به‌سزایی بر رشد کارآفرینی داشت. توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع، پیشرفت کرده و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در انجام کارها می‌شود. همچنین شناسایی فرصت‌های جدید برای عملکرد بالاتر و فاعلتر عمل کردن نسبت به رقبا، از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت می‌باشد چرا که فرصت‌ها نقطه مرکزی فعالیت‌های کارآفرینانه را شکل می‌دهند. بنابراین برای اینکه در افراد، ویژگی‌هایی به وجود آید که بتوانند فرصت‌های به وجود آمده را کشف کنند، باید تمرکز بیشتری بر افراد داشت تا بتوان از سرمایه‌های انسانی در راستای دستیابی به تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه بالاتر و همچنین ایجاد مزیت رقابتی پایدار نسبت به سایر رقبا بهره‌مند شد.

در راستای نتایج تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

در راستای افزایش توانمندسازی افراد، پیشنهاد می‌شود به توسعه مهارت‌ها و دانش تخصصی افراد توجه شود. این امر مستلزم آن است که برنامه‌های آموزشی هدفمند و مستمر و متناسب با نیازهای شغلی، جایگزین دوره‌های آموزشی غیرمرتبط و تشریفاتی گردد. علاوه براین، می‌توان با ایجاد فضایی که مشوق نوآوری است و با تفویض اختیار به افراد متناسب با توانایی آنان، امکان آزادی عمل و زمینه شکوفایی افراد و مسئولیت‌پذیری آنان را فراهم آورد. لذا آموزش و توسعه مهارت و دانش افراد و فراهم نمودن بستر لازم جهت بالفعل ساختن توانایی‌های بالقوه افراد از جمله اقداماتی است که می‌تواند با توسعه توانمندی‌های افراد در سکونتگاه‌های غیررسمی، نقش حائز اهمیتی در بهبود عملکرد آنان داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌گردد به افراد آموزش‌هایی در رابطه با چگونگی تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه ارائه گردد تا نسبت به محیط و ظرفیت‌های بالقوه آن برانگیخته شوند.

نوآوری اجتماعی به عنوان یک پدیده راهبردی، نیازمند توجه و عنایت راهبردی است. بنابراین متناسب با سطوح حاکمیتی، مدیریتی و غیره پیشنهاد می‌شود این مهم در تنظیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود. همچنین کارآفرینان می‌توانند با ایجاد فضایی در راستای آموزش و پرورش خلاقیت در افراد، امکان بهره‌گیری از ایده‌های نوآورانه را در انجام کار فراهم نمایند و توانایی تبدیل ایده به محصول را تقویت نمایند. در این میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، مدیران و مسئولان در سطوح مختلف و در نهایت کارآفرینان، باید با طرح مسائل و موضوعات خود در قالب جمع‌سپاری و نوآوری باز، از بسترهای مختلف برای دریافت ایده‌های خلاقانه و به اشتراک گذاری تجارب و درس آموخته‌های افراد با پرداخت کمترین هزینه استفاده کنند.

پیشنهاد می‌شود که با هدف ایجاد و توسعه بسترهای مناسب برای کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی، با اعطای تسهیلات و وام‌های مشارکتی، زمینه انجام کارهای تولیدی و اشتغال‌زرا را برای افراد فراهم آورد. همچنین، در دسترس بودن مواد خام اولیه، وجود بازار محلی یا ظرفیت بازار برای متنوع شدن فعالیت

اقتصادی، پشتیبانی مالی و فنی دولت از کسب و کارهای کوچک و کارآفرین و ... باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین توصیه می‌شود تا در رابطه با راه‌اندازی کسب و کارها علاوه بر توجه به فاکتورهای اقتصادی به سایر عوامل فردی و اجتماعی اثرگذار مانند ایجاد و تقویت روحیه خلاق و انگیزه کارآفرینانه و همچنین ارتقای سطح آگاهی آنها در زمینه ملزومات و مقدمات ورود به فرآیند کارآفرینی نیز توجه ویژه گردد.

منابع

- آرامش، حامد، رس، فاطمه و کشاورز، سهیلا (۱۳۹۹)، اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی، مورد: مناطق حاشیه‌ای چابهار، اقتصاد فضایی و توسعه روستایی، ۹(۴)، ۱-۱۰.
- برقی، شهریار (۱۳۹۹). بررسی تاثیر برنامه های توانمندسازی مناطق حاشیه نشین در افزایش مشارکت اجتماعی، مطالعه موردی شهرستان پاکدشت، جغرافیا و روابط انسانی، ۳(۲)، ۱۷۲-۱۹۱.
- حسین‌بر، محمدعثمان، روستاخیز، بهروز و آهار، سمیرا (۱۴۰۱)، بهره‌گیری از مدل‌های نوآوری و کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان - مورد مطالعه: کشور هند، ۱(۱)، ۲۳-۴۲.
- عباسی، زهرا، امان پور، سعید و صفایی پور، مسعود (۱۳۹۸)، برنامه ریزی راهبردی در توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی مطالعه موردی: پیام - شهرک نور دزفول، مجله شهر پایدار، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۷.
- گلکارفرد، مرجان و رضایی مقدم، کوروش (۱۳۹۷). رابطه بین کارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی استان فارس، مجله راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۶(۱)، ۱-۱۰.
- هاشم‌پور، رحیم، سیفایی، مهسا و صالحی، نگین. (۱۴۰۱)، توانمندسازی اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی شهری بر اساس دارایی ها، مجله مهندسی و مدیریت ساخت (JECM)، ۷(۱)، ۷۴-۶۶.

- Ahn, S., Kim, K.S. & Lee, K.H. (2020). Technological capabilities, entrepreneurship and innovation of technology-based start-ups: the resource-based view, *Journal of Open Innovation: Technology, Market and Complexity*, 8, 2-16.
- Audretsch, B.D. & Belitski, M. (2022). The limits to open innovation and its impact on innovation performance, *Technovation*, 119(8-9), 1-19.
- Franco, M. (2020), Entrepreneurship, Competitiveness and Innovation, *Sustainability*, 12(5), 1-5.
- Kollmann, T.; Stockmann, C. M. & Kensbock, J. (2017). Fear of failure as a mediator of the relationship between obstacles and nascent entrepreneurial activity-an experimental approach, *Journal of Business Venturing*, 32(3), 280-301.
- Pakura, S. (2020). Open innovation as a driver for new organizations: A qualitative analysis of green-tech start-ups, *Int. J. Entrep. Ventur*, 12, 109-142.
- Sanghamitra, C.; Rajashi, G. & Yogita A. (2020). Exploring the Risky Terrain of Entrepreneurship with Support from Developmental Relationships: Narratives from Indian Women Entrepreneurs, *Advances in Developing Human Resources*, 22(2), 137-149.
- Sinharoy, S.S., Pittluck, R. & Clasen, T. (2019). Review of drivers and barriers of water and sanitation policies for urban informal settlements in low-income and middle-income countries, *Utilities Policy*, 60, 1-8.
- Sathibabam, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development. From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
- Tsvetkova, D.; Bengtsson, E. & Durst, S. (2020). Maintaining Sustainable Practices in SMEs: Insights from Sweden, *Sustainability*, 12(24), 1-15.
- Zhang, J., Yu, B. & Lu, C. (2021). Exploring the effects of innovation ecosystem models on innovative performances of start-ups: the contingent role of open innovation, *Entrep. Res. J.*, 1, 1-19.